



ایران در آستانه
انتخابات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای اجتماعی کشور

جستارهایی در
ایران در آستانه انتخابات

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ۱۳۹۴

جستارهایی در

ایران در آستانه انتخابات

به سفارش شورای اجتماعی کشور

رصد فرهنگ و اجتماع - ۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ماه ۱۳۹۴

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات / [تهیه و گردآوری] پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، رصد فرهنگ و اجتماع؛ [برای] شورای اجتماعی کشور. - تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴.

۳۶۶ ص.؛ جدول، نمودار. - (رصد فرهنگ و اجتماع؛ ۳)

موضوع: ۱. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - مقاله‌ها و خطابه‌ها ۲. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - جنبه‌های جامعه‌شناختی ۳. انتخابات - ایران
شناسه افزوده: الف. ایران. وزارت کشور. معاونت اجتماعی. شورای اجتماعی کشور ب. فروست

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج. ۵ الف / ۱۷۱۶ DSR

رده بندی دیویی: ۰۸۴۴/۹۵۵

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات

شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نوبت چاپ: آبان ۱۳۹۴

فهرست مطالب

مقدمه / سیدمرتضی میرباقری _____ ۷

■ ■ ■ انتخابات و ملاحظات اجتماعی فرهنگی

- ۱۱ _____ پیچیدگی جامعه و کنش جمعی مردم در ایران / محمد آقاسی
- ۲۱ _____ نگاهی به رابطه روحانیت و مجلس، از مشروطه تا امروز؛ استغنائی سازمان روحانیت از مجلس / حسن اجرایی
- ۳۳ _____ انتخابات پارلمانی، هویت جمعی و امر سیاسی / ریحانه اصلان زاده
- ۴۱ _____ سازمان‌های رفاهی، کنترل سیاسی، شهروندی / رضا امیدی
- ۴۷ _____ تأملی بر مشارکت طبقه متوسط در انتخابات پیش‌رو / یاسر باقری
- ۵۷ _____ پیامدهای نگاه اصلی به جای نگاه آلی به انتخابات در ایران / محمدرضا جوادی یگانه
- ۷۱ _____ اقوام و انتخابات / ابراهیم حاجیانی
- ۸۳ _____ بررسی هویت مورد نظر گفتمان جمهوری اسلامی ایران در قبال زنان / سید محمدمهدی خوبی
- ۹۷ _____ وندالیسم انتخاباتی؛ تخریب اموال عمومی یا تخریب افکار عمومی؟ / محمدمهدی رحمتی
- ۱۰۳ _____ اقتصاد انتخابات مجلس / علی سرزعیم
- ۱۱۱ _____ لنینی شدن فرایند / علیرضا شجاعی زند
- ۱۲۳ _____ امتناع وعده‌های انتخاباتی در سطح ملی / عباس عبدی
- ۱۳۱ _____ مجلس شورای اسلامی و سرمایه اجتماعی / غلامرضا غفاری
- ۱۴۱ _____ تحلیل پیامدهای اجتماعی و فرهنگی انتخابات؛ از منظر منازعات کلامی / محمد جواد غلامرضا کاشی
- ۱۵۱ _____ الزامات مجلس دهم برای بقا و ارتقای ایران / محمد فاضلی
- ۱۶۳ _____ گذار به مردم‌سالاری مستقیم / ناصر فکوهی
- ۱۷۱ _____ دروغ‌گویی در انتخابات؛ اشکال، سطوح، و پیامدها / حسن محدثی گیلوایی
- ۱۹۵ _____ احزاب شه‌ساخته دوره پهلوی و انتخابات / رضا مختاری اصفهانی
- ۲۰۳ _____ انتخابات فرصتی برای انشقاق یا ائتلاف / احمد میدری
- ۲۱۵ _____ ملاحظات درباره انتخابات در ایران / جواد میری
- ۲۲۳ _____ انتخابات و فرهنگ شهرت؛ مشاهیر ورزشی و هنری (سلبریتی‌ها) و انتخابات در ایران / راضیه یاسینی

■ ■ ■ انتخابات و مطالبات

- ۲۳۹ _____ انتخابات و مطالبات زنان / شیرین احمدنیا
- ۲۴۹ _____ انتخابات و مطالبات رأی اولی‌ها / سمیه توحیدلو
- ۲۶۳ _____ انتخابات، آموزش عمومی و مسئله آب / جبار رحمانی

- ۲۷۳ _____ مطالبات در حوزه گاز طبیعی و آینده ایران / مجید عباسی
- ۲۸۱ _____ انتخابات و اقلیت‌های مغفول: صدا و ژئوپلیتیک قومی-دینی / مهرداد عربستانی
- ۲۹۳ _____ رصد اقتصاد هنر ایران در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی / محمدرضا مریدی

■ ■ ■ انتخابات و رسانه‌ها

- ۳۰۱ _____ رویکرد شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به انتخابات ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۰۹ _____ استفاده از ظرفیت پیام‌رسان‌های موبایلی در انتخابات / شادی ضابط
- ۳۱۹ _____ آن‌لاین بدون ایمیل / محمد معماریان
- ۳۳۱ _____ الگوی تبلیغات رسمی انتخابات در ایران با تأکید بر صداوسیما / نوح منوری
- ۳۳۹ _____ ناآرامی در نهاد ناپایدار شبکه همراه / فرشاد مهدی‌پور
- ۳۴۷ _____ رفتار انتخاباتی با نگاهی به مصرف رسانه‌ای / عباس نعمتی
- ۳۵۷ _____ اهمیت ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی مجازی در آستانه انتخابات مجلس دهم / حسین یزدان‌شناس

■ ■ ■ انتخابات فرصتی برای انشقاق یا ائتلاف

احمد میدری

عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

۱. مقدمه

همواره، انتخابات در ایران فرصتی برای تفکیک و انشقاق جریان‌های سیاسی بوده است. در انتخابات مجلس سوم در سال ۱۳۶۶، جامعه روحانیت مبارز انشعاب یافت و روحانیون چپ‌گرا مجمع روحانیون مبارز را تشکیل دادند؛ در سال ۱۳۷۶، در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، واژه جدیدی به نام اصلاح‌طلبان در فضای سیاسی کشور هویت یافت؛ در دهمین انتخابات ریاست جمهوری یعنی در سال ۱۳۸۸، بزرگترین انشقاق سیاسی در نیروهای طرفدار انقلاب اسلامی رخ داد. اما، این انتخابات در سال ۱۳۹۲ نقطه عطفی در تاریخ سیاسی کشور بود؛ طیف‌های مختلف و جریان‌های سیاسی، از اصلاح‌طلبان تا اصول‌گرایان، با حمایت از دکتر روحانی ائتلاف روشنی در فضای انتخاباتی و سیاسی کشور را به نمایش گذاردند. در این میان، اگرچه از دولت تدبیر و امید رسماً به عنوان دولت ائتلافی یاد نشده، بدون تردید می‌توان این دولت را نمادی از ائتلاف جریان‌های سیاسی در کشور نامید.

این مقاله درخواست صریح و روشنی از فعالان سیاسی کشور دارد: وضعیت اقتصادی و اجتماعی امروز جامعه نیازمند کنار گذاشتن اختلافات جناحی است. از یکسو ادامه کشمکش‌های سیاسی در بین جناح‌های مختلف امکان اصلاحات اقتصادی را در کشور محدود یا ناممکن ساخته و از سوی دیگر همه جریان‌های سیاسی قدرت لازم را برای تغییر وضعیت جامعه ندارند. لذا، نه تنها به عنوان یک توصیه اجتماعی، بلکه برای حفظ منافع عمومی مردم در بلندمدت، جریان‌های سیاسی باید باب گفتگو را میان خود باز کنند و ائتلاف‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت را طراحی کنند.

در این مقاله به وضعیت چند مسئله مهم در کشور اشاره شده و سپس نمایی از شرایط متشنج ناشی از کشمکش‌های سیاسی نشان داده می‌شود که چگونه این اوضاع اجازه نخواهد داد که این مسائل حل شوند و ائتلاف تنها شرط پیروزی در برابر این تهدیدهای جدی است.

۲. ضرورت ائتلاف سیاسی و اجتماعی

جامعه ایرانی با مسائل گوناگونی روبه‌رو است که حل آنها نیازمند ائتلاف نیروهای سیاسی و مشارکت سازمان‌یافته و مستمر مردم است. اهم این مسائل عبارت‌اند از:

۲.۱ مسائل اقتصادی

بیکاری: هر سال نزدیک به یک میلیون نفر وارد بازار کار می‌شوند، اما کمتر از ۸۰۰ هزار شغل در کشور در سال ایجاد می‌شود.

فقر: از سال ۱۳۸۵ فقر روندی صعودی داشته است و درصد بیشتری از جمعیت زیر خط فقر رفته‌اند.

تورم: ایران در طول دو دهه گذشته جزو ده کشور نخست دارای نرخ تورم در دنیا بوده است.

عدم تعادل در نظام پولی و بانکی: عدم تعادل میان منابع و مصرف، قدرت وام‌دهی بانک‌ها را به شدت کاهش داده است؛ به عنوان مثال، ۲۵ درصد وام‌های اعطاشده به بانک‌ها بازگردانده نشده‌اند؛ این نسبت ده سال قبل شش درصد بوده است.

کسری صندوق‌های بازنشستگی: به عنوان مثال، دولت نزدیک به ۹۰ هزار میلیارد تومان در سال جاری یعنی در حدود ۵۰ درصد بودجه عمومی کشور فقط به سازمان تأمین اجتماعی بدهی دارد.

۲.۲ مسائل زیست‌محیطی

مصرف ذخایر آبی کشور: مصرف سالانه آب در ایران در بخش‌های مصارف شرب، صنعت

و کشاورزی، ۹۶ میلیارد مترمکعب است. این آب مصرفی از ۴۶۴ هزار چاه مجاز و ۱۸۰ هزار چاه غیرمجاز برداشت می‌شود. این مصرف بالا موجب شده که آبخوان‌های کشور سالانه با میانگین کسری حجم مخزن ۴.۵ میلیارد مترمکعبی مواجه باشند. در ۴۷ سال اخیر، مخازن آب زیرزمینی با کسری مخزن ۱۱۰ میلیارد مترمکعبی مواجه شده‌اند که فقط ۳۸ میلیارد مترمکعب آن مربوط به دوره کوتاه هفت سال گذشته است و این موضوع آینده‌ای نگران‌کننده برای بخش‌های وسیعی از کشور رقم خواهد زد، به طوری که در حال حاضر ۵۵۰ شهر در کشور دچار بحران آب هستند؛ چهار استان کشور دچار بحران آب، ۹ استان دچار تنش شدید آبی، ۱۲ استان دچار تنش آبی و مابقی استان‌ها در شرایط قابل تحمل هستند. **فرونشست دشت‌های کشور:** فرونشست بیش از دو میلیون هکتار از اراضی کشور حاصل برداشت بیش از حد از آب‌های زیرزمینی و حفر چاه غیرمجاز است. در زمان حاضر، نرخ متوسط فرونشست دشت‌های جنوب تهران افزون بر ۳۶ سانتی‌متر در سال بوده که رکورددار نرخ فرونشست در جهان است. تاکنون دشت ورامین دو متر فرونشست داشته است.

کاهش حجم آب ذخیره پشت سدها: در تیر ۱۳۹۴، مجموع ظرفیت مخازن سدهای کشور در زمان کنونی ۴۸/۸ میلیارد مترمکعب گزارش شده که میزان پرشدگی سدها ۵۴ درصد بوده است. ذخیره آب پشت چهار سد از هفت سد استان فارس به صفر رسیده و در سه سد دیگر ۲۷ درصد آب ذخیره دارد. ذخایر آبی سدهای خوزستان ۲۵ درصد کاهش داشته است. حجم ذخیره آب سد کرخه به یک‌پنجم رسیده، از ۵ میلیارد مترمکعب در سال به حدود یک میلیارد مترمکعب کاهش یافته است. موجودی آب سدهای گلستان ۱۷ درصد و حجم آب ورودی به سدهای خراسان جنوبی ۳۰ درصد، ذخیره پشت سد ایلام ۷۰ درصد کاهش داشته و در استان کرمانشاه تنها ۵۰ درصد ظرفیت سدهای استان از آب پر است.

۳.۲ مسائل اجتماعی

گسترش فساد اداری، روند فزاینده آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و طلاق، افزایش سهم خانوارهای زن‌سرپرست، تضعیف اجتماعات و پیوندهای محلی و قومی برخی از ارقام وضعیت نامطلوب در فضای اجتماعی را تأیید می‌کنند:

- روزانه بین ۷۰ تا ۱۰۰ نفر به اعتیاد گرفتار می‌شوند.
- تعداد زندانیان در ایران ۲۱۷ هزار نفر با نرخ ۲۸۴ زندانی در هر ۱۰۰ هزار نفر است. این بدین معناست که ایران در زمره پانزده کشور نخست جهان است که بالاترین نرخ زندانی را دارند.
- سالیانه بیش از ۶۰ میلیون لیتر مصرف الکل در کشور وجود دارد.
- در سال ۱۳۹۲، حدود سه هزار نفر بر اثر اعتیاد فوت کرده‌اند؛ ۷۵۰ هزار نفر در مراکز بازپروری

پذیرش شده‌اند و ۲۵۰ هزار نفر دستگیر شده‌اند.

• ۶۳ درصد جمعیت معتاد متأهل هستند.

• نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۲، ۱۰ درصد بوده است، ولی در سال ۱۳۹۲، این نسبت

به ۱۹ درصد افزایش یافته است.

• در حال حاضر، ۱۲ میلیون و ۲۲۱ هزار و ۱۸۲ خانوار در ایران زندگی می‌کنند که سرپرستی

حدود ۱۲ درصد از آنها را زنان بر عهده دارند (دومیلیون و پانصد هزار) و پیش‌بینی می‌شود

که تعداد خانوارهای زن سرپرست طی سال‌های آتی به شدت افزایش یابد. در حال حاضر،

سن زنان سرپرست خانوار به سمت میانسالی و کهنسالی نیل می‌کند.

• در دوره پنج ساله ۱۳۸۵-۱۳۹۰، متوسط رشد خانوار معمولی چهار درصد و متوسط رشد

خانوار دارای سرپرست زن ۲/۹ بوده است.

• نرخ اقدام به خودکشی از ۱.۳ در هر صد هزار نفر در سال ۱۳۶۳ به ۴.۵ در سال ۱۳۹۲

افزایش یافته است.

• نرخ اقدام به خودکشی در استان ایلام ۷۰ نفر در هر صد هزار نفر و ۱۶ برابر میانگین نرخ

کشوری است.

حل این مسائل به اقدامات و تدابیر خاص در هریک از حوزه‌های خود نیازمند است؛

اما، کاهش اختلافات سیاسی و شکل‌گیری ائتلاف‌های سیاسی یکی از مهم‌ترین

پیش‌شرط‌های مشترک در این زمینه است که امکان مشارکت مردم و تقویت سرمایه‌های

اجتماعی را در کشور فراهم می‌سازد.

۲. ۱.۳ چرا حل این مسئله‌ها به ائتلاف سیاسی و اجتماعی نیاز دارد؟

نقش و ضرورت ائتلاف سیاسی و اجتماعی با تحلیل مختصر از چند مسئله روشن می‌شود:

مسئله‌های زیست‌محیطی فوق هرچند به علل مختلفی مانند تغییرات اقلیمی نسبت داده

می‌شود، مهم‌ترین علت آن سیاست‌های توزیع آب و کشاورزی در کشور بوده است. دریاچه

وان ترکیه در صد کیلومتری دریاچه ارومیه قرار دارد. دریاچه ارومیه در حال احتضار است،

اما دریاچه وان زنده و پرآب است. مدیریت نادرست منابع آب با سدسازی بی‌رویه و حفر

چاه‌های عمیق برای توسعه کشاورزی منجر به خشک شدن دریاچه ارومیه شده است.

پدیده ریزگردها نیز ریشه در سیاست‌های مرتبط با مدیریت منابع آب دارد. سدهای

متعدد و پروژه‌های انتقال آب، که حداقل تحت عنوان توسعه کشاورزی ساخته شده‌اند،

وسعت تالاب‌های مهم کشور مانند تالاب شادگان و هورالعظیم را به شدت کاهش داده‌اند.

تبدیل تالاب‌هایی که میلیون‌ها سال آب بر آنها جاری بوده و امروز به بیابان خشکی تبدیل

شده‌اند، علت اصلی وجود ریزگردها در کشور است. البته، سیاست‌های مشابه در ترکیه و عراق، تالاب‌های جنوب عراق را به همین سرنوشت کشانده است و موضوع ریزگردها را به مسئله‌ای بین‌المللی تبدیل کرده است.

حل این مسئله بدون تحوّل اساسی در سیاست‌گذاری حوزه‌های آب و کشاورزی غیرممکن است. اگر تصوّر شود که با انتقال آب از دریای خزر به دریاچه ارومیه و انتقال آب به تالاب گاوخونی می‌توان بحران ریزگردها و خشک‌شدن تالاب‌ها را حل کرد، در واقع ادامه‌دهنده همان راهی است که ما را به بحران کشانده است. سیاست‌های بخش کشاورزی و آب باید به گونه‌ای تغییر یابد که بهره‌وری منابع آب را در بخش کشاورزی افزایش دهد. با نظام آبیاری کنونی نمی‌توان به راه حلی برای کمبود آب و مشکلات زیست‌محیطی مترتب بر آن دست پیدا کرد.

اما، تغییر سیاست بدون ائتلاف سیاسی و اجتماعی تقریباً ناممکن است. تغییر سیاست در بخش آب و کشاورزی نیازمند بودجه است، اما با بودجه به‌تنهایی نمی‌توان بهره‌وری در حوزه آب را به طور اساسی افزایش داد. اگر این روش میسر بود، با صدها میلیارد دلاری که تاکنون نصیب دولت شده این کار انجام می‌پذیرفت. تغییر سیاست نیازمند بازتوزیع منافع اقتصادی است. نظام اداری باید با تغییر الگوی وام‌دهی، بر رفتار بهره‌برداران آب نظارت و متخلفان را مجازات کند؛ منابع را از پروژه‌های بزرگ مانند سدسازی به پروژه‌های کوچک سوق دهد. با این دگرگونی‌ها و جابه‌جایی‌ها در حوزه مذکور شاید بتوان گفت بهبود بهره‌وری منابع در بخش آب و کشاورزی رخ دهد. اما، این گونه اصلاحات نه از سوی مردم در شرایط عادی به راحتی پذیرفته می‌شود و نه دولتمردان و مسئولان در مجلس، دولت و قوه قضائیه جسارت اجرای این سیاست‌ها را دارند.

شرط این تغییر که به لحاظ فنی سهل و به لحاظ اجتماعی و سیاسی سخت است، ائتلاف سیاسی و اجتماعی است. نیروهای سیاسی باید بپذیرند ایجاد تحوّل در سیاست‌های کشاورزی شرط بقا و تأمین حداقل کیفیت زندگی است و باید در این موضوع احزاب توافق کرده و ائتلاف شکل گیرد. ضرورت این ائتلاف از چند جهت است: اول آنکه شرط موفقیت این سیاست ثبات در سیاست‌گذاری است. اگر با انجام هر انتخاباتی در سیاست‌های بخش منابع آب و کشاورزی تجدید نظر شود، نمی‌توان بر چالش‌های زیست‌محیطی فائق آمد؛ دوم آنکه روند کنونی زمانی تغییر می‌یابد که جریان‌های سیاسی ائتلاف کنند تا مردم را با سیاست‌های غلط توزیع آب و طرح‌های عمرانی منطقه‌ای بسیج و به عبارت بهتر تهییج نکنند و منافع و مصالح ملی را قربانی منافع منطقه‌ای نسازند. هر جریان سیاسی

می‌تواند موجی از پوپولیسم علیه سیاست‌های صحیح بخش آب و کشاورزی ایجاد کند. هیچ سیاستمداری با نگرانی حذف از صندوق‌های رأی دست به چنین اصلاحات ساختاری نمی‌زند و می‌کوشد تنها با تزریق پول بحران‌های زیست‌محیطی کشور را حل کند که البته خوشبختانه یا متأسفانه دیگر این امر نیز امکان‌پذیر نیست.

تغییر در سیاست نیازمند ثبات است، در صورتی که اختلافات جدی میان سیاستمداران نه‌تنها ثبات در سیاست‌گذاری را با مشکل روبه‌رو سازد، بلکه همه دولت‌مدان را به ورطه پوپولیسم سوق می‌دهد. نمایندگان مردم در مجلس برای کسب رأی بر پروژه‌های انتقال آب و ساخت سدهای بیشتر فشار می‌آورند و با تهییج استناداران و مردم آنها را متحد می‌سازند تا منافع منطقه‌ای را بر منافع ملی مسلط سازند.

اما، با این ائتلاف، تغییر الگوی آبیاری در ایران امکان‌پذیر خواهد بود و البته این امر نیازمند دگرگونی و اصلاح در عادات رفتاری کشاورزان، الگوی آبیاری مزارع و اصلاح منافع گروه‌ها در بخش‌های دولتی و پیمانکاری است.

۲. ۴ مسئله صندوق‌های بازنشستگی

از میان مسائل و مشکلات اقتصادی مختلفی که در کشور وجود دارد می‌توان به وضعیت صندوق‌های بازنشستگی اشاره کرد. اتخاذ سیاست‌های عامه‌پسند بدون دوراندیشی، کسری نقدینگی بسیار شدیدی به این صندوق‌ها تحمیل کرده و بدون تردید بخش مهمی از وضعیت رکود توژمی کنونی ناشی از مشکلات صندوق‌های بازنشستگی در کشور است. متوسط سن افراد در شروع بازنشستگی در صندوق بازنشستگی کشور ۵۲ و در نیروهای مسلح ۴۲ سال است، درحالی‌که این نسبت در کشورهای دیگر بیش از ۶۰ و حتی ۶۵ سال است. بازنشستگی زود هنگام که در کشور با هدف جلب حمایت گروه‌های مختلف و با عناوین متعدد به کارمندان اعطا شده، منابع این صندوق‌ها را تهی ساخته است. میزان مستمری بازنشستگان کشوری عموماً کمتر از خط فقر بوده و در طول ده سال گذشته ارزش واقعی مستمری آنها در حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است. همچنین، این صندوق‌ها به علت بازنشستگی زود هنگام افراد و ده‌ها سیاست‌غیرواقع‌بینانه و نادرست قادر به پرداخت مستمری نبوده و دولت به‌ناچار از بودجه عمومی کشور به این صندوق‌ها کمک کند. در سال جاری کمک بلاعوض دولت تنها به دو صندوق بازنشستگی نزدیک به ۲۵ هزار میلیارد تومان (بیش از ۶۰ درصد یارانه‌های نقدی) بوده که مستمری حدود سه میلیون خانوار را تأمین کرده است. درحالی‌که این بازنشستگان کارمندان بخش دولتی بوده و در زمان خدمتشان از حقوق آنها کسر و به صندوق واریز شده بود، اما متأسفانه این دسته از بازنشستگان تا

آخر عمر حقوق خود را از دولت دریافت می‌کنند. البته، باید اذعان داشت این مسئله نتیجه مدیریت نادرست و سیاست‌گذاری‌های عوام‌پسندانه بوده که از یکسو موجب فقیر شدن بازنشستگان و از سوی دیگر کسری بودجه صندوق و در نتیجه تحمیل بار مالی شدید به دولت شده است.

۲. ۴. ۱ ائتلاف سیاسی و اجتماعی شرط اصلاح صندوق‌ها

برای اصلاح در روند کنونی، دولت باید سن بازنشستگی را به تدریج افزایش داده و مبنای محاسبه حقوق را در زمان بازنشستگی به جای دو سال پایانی خدمت به پنج سال یا بیشتر تغییر دهد. همچنین، در قوانین و مقررات مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور و مقررات بازنشستگی جانبازان بازنگاری شود. این سیاست‌ها با منافع کوتاه‌مدت بسیاری از اقشار ناسازگار بوده و آنها را مقابل دولت قرار خواهد داد. مردم به سادگی پذیرای این سیاست‌ها نخواهند بود، بلکه زمانی آن را می‌پذیرند که همه سیاستمداران بر سر آنها ائتلاف کنند. به لحاظ اقتصادی، اصلاح سن بازنشستگی اجتناب‌ناپذیر است. بازنشسته شدن هر فرد به معنای این است که هر ماه صندوق بازنشستگی ۱۵ میلیون ریال به بازنشسته بپردازد و دیگر ۱۵۰ هزار تومان درآمد از درآمد فرد شاغل کسر نگردد. بازنشستگی در ۴۲ یا ۵۲ سالگی در هیچ جای دنیا وجود ندارد. کدام سیاستمدار ایران جرئت دارد قوانین بازنشستگی را بر سر ریل‌های خود بازگرداند؟ تنها در صورتی که همچون توافق هسته‌ای پشتیبانی عموم جریان‌های سیاسی وجود داشته باشد، احتمال این تغییر بزرگ وجود دارد.

مشکل این صندوق‌ها تنها اتخاذ سیاست‌های عوام‌پسندانه گشاده‌دست نبوده است، بلکه عدم مدیریت مالی صحیح صندوق‌ها و مداخلات سیاسی در مدیریت آنها را می‌توان از عوامل اصلی وضعیت نابسامان این صندوق‌ها عنوان کرد. سوء مدیریت و استفاده نادرست از منابع مالی این صندوق‌ها موجب شد تا ذخایر مالی صرف خرید یا تأسیس شرکت‌های بزرگی شود که نه تنها برای صندوق‌های بازنشستگی سودی نداشته، بلکه حتی زیان‌ده بوده‌اند. لازم به یادآوری است که جدا از تحمیل شرایط و انتظارات نادرست از این شرکت‌ها از قبیل کارمندان بیش از نیاز، انتصاب‌های سیاسی از مدیران عامل تا مسئولان حراست‌ها و مدیران میانی شرکت‌ها، موجب ناکارآمدی آنها شده است که ریشه آن را می‌توان در انتصاب‌های نادرست و عدم حاکمیت شایسته‌سالاری دانست.

عدم شایسته‌سالاری و گماشته‌پروری محصول کشمکش‌های سیاسی است. جریان‌های سیاسی می‌دانند که شرکت‌های وابسته به صندوق‌ها منابع قدرت و ثروت هستند و سعی دارند با انتصاب مدیران وابسته به خود، آنها را به پایگاهی برای خود تبدیل سازند.

با این توصیف، اصلاح صندوق‌های بازنشستگی با موانع سیاسی و اجرایی جدی روبه‌رو است و باید وضعیت این صندوق‌ها همچون حفظ مرزهای کشور از نزاع‌های داخلی خارج شده و همه نیز بدانند که برای حفظ حکومت باید مدیریت شرکت‌ها و سیاست‌های بازنشستگی را اصلاح کنند.

۳. چرا ائتلاف سیاسی بدون مشارکت اجتماعی شکست می‌خورد؟

ائتلاف بزرگان و جریان‌های سیاسی به‌تنهایی برای حل همه مسئله‌ها کفایت نمی‌کند و در برخی از مسائل به چیزی بیش از ائتلاف سیاسی نیاز داریم. شاید اگر همه جناح‌های سیاسی بر سر مسئله‌ای مانند توافق هسته‌ای متحد شوند، برای پیشبرد مذاکرات کفایت کند، اما در مورد مسائلی مانند بیکاری، فقر، کمبود آب و بحران‌های زیست‌محیطی، صندوق‌های بازنشستگی ائتلاف تنها در بالا کفایت نخواهد کرد. حل و مهار این مسائل به مشارکت گسترده اجتماعی نیاز دارد. با یک مثال این ادعا روشن‌تر می‌شود: یکی از علل بیکاری گسترده و رکود اقتصادی در ایران محیط نامناسب کسب و کار است؛ نظام اداری با مقررات دست‌وپاگیر، سرمایه‌گذاری و توسعه کسب و کارهای مختلف را مشکل ساخته است. رتبه کیفیت شهرداری‌ها در ایران از میان ۱۸۷ کشور رتبه ۱۶۶ است. همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، جایگاه کل دستگاه‌های اجرایی کشور بسیار اسفناک است.

رتبه ایران در هر یک از شاخص‌های ده‌گانه کسب و کار			
شاخص	رتبه در سال ۲۰۱۲	رتبه در سال ۲۰۱۳	تغییر در رتبه
شروع کسب و کار	۵۰	۸۷	-۳۷
دریافت مجوزهای ساخت و ساز	۱۶۶	۱۶۶	بدون تغییر
اشتراک برقی	۱۶۴	۱۶۳	۱
ثبت مالکیت	۱۶۵	۱۶۵	بدون تغییر
دریافت اعتبار	۹۷	۸۳	۱۴
حمایت از سرمایه‌گذاران	۱۶۷	۱۵۰	۱۷
پرداخت مالیات	۱۲۵	۱۲۹	-۴
تجارت فرامرزی	۱۳۹	۱۴۳	-۴
لازم‌الاجرا شدن قرارداد	۵۴	۵۳	۱
انحلال تعالیم	۱۲۵	۱۲۶	-۱

برای اصلاح و بهبود این وضعیت، افزون بر ائتلاف سیاسی، نیازمند آزاد شدن انرژی اجتماعی و مشارکت مدنی هستیم. کارمندان دولت، از مدیران عالی‌رتبه گرفته تا کارشناسان دستگاه‌های اجرایی، بخشی از علت این وضعیت هستند. بدون همکاری و

حضور آنها نمی‌توان موانع دست‌وپاگیر اداری را اصلاح کرد. در کشورهای دیگر علاوه بر مشارکت کارکنان، نهادهای مدنی مانند اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نقش مهمی در اصلاح محیط کسب و کار داشته‌اند.

نه تنها محیط کسب و کار، بلکه سایر اصلاحات نیز از کانال نظام اداری عبور می‌کند. نظام اداری ماشینی حرکتی است که سرعت و کیفیت سفر از وضعیت موجود به وضعیت بهتر، به این ماشین بستگی دارد. کارکرد ماشین اجرا به عوامل مختلفی مانند نگرش نیروهای سیاسی به این ماشین، سنت‌های اداری، وضعیت بودجه و... وابسته است. یکی از عوامل مهم در این میان امکان نقد و نظارت عمومی است. دستگاه اداری باید پیوسته تحت نظارت افکار عمومی باشد. در غیاب یا کم‌رنگ شدن نظارت عمومی، دستگاه اداری در معرض فساد قرار می‌گیرد و به تدریج به دستگاهی آلوده تبدیل می‌شود. ائتلاف سیاسی باید امکان نظارت افکار عمومی را مهیا سازد. این امکان پدیده‌ای اجتماعی و سیاسی است؛ بدین معنا که از یکسو به لحاظ سیاسی فضا را باز سازد تا نقد اجتماعی با هزینه کمتر انجام شده و از سوی دیگر به لحاظ اجتماعی احساس تعلق جمعی در جامعه را تقویت کند. نیروهای مختلف مردمی باید از لاک منافع صرف شخصی بیرون آمده و منافع بلندمدت خود را در گروهی حل مسائل ملی ببینند.

۴. ائتلاف یک مهارت است.

دستیابی به یک ائتلاف موفقیت‌آمیز مقدمات مختلفی دارد:

• درک مشترک از مسئله؛

• نیاز به ائتلاف برای حل مسئله؛

• اراده به ایجاد ائتلاف.

ائتلاف یک فن است؛ همان‌گونه که امر به ظاهر ساده‌ای مانند مذاکره در دنیای امروز تبدیل به دانشی پیچیده شده، ائتلاف نیز «فن سالار» است. برای نیل به این هدف، نیروهای سیاسی نیازمند آموزش بوده تا بتوانند الگویی از همکاری و رقابت را به وجود آورند تا منافع هر گروه تعریف شود و بتوان یک بازی برد برد را طراحی کرد. در کنار نیروهای سیاسی باید نیرویی کارشناسی قرار گیرد تا مدیریت پروژه ائتلاف را شکل دهد.

۴. ۱ مدل ائتلاف

ائتلاف در برخی از موارد از پایین آغاز می‌شود. مطالبات مردمی بر دولت‌مردان فشار می‌آورد و آنها را به سوی تأمین منافع خود هدایت می‌کند و همه جریان‌های سیاسی کم و بیش تحقق آن را در دستور کار خود قرار می‌دهند. مسئله‌ای مانند محدودسازی تعدد زوجات در

ایران نمونه‌ای از شکل‌گیری ائتلاف از پایین است. به نظر می‌رسد ائتلاف از پایین در موارد بسیار محدودی امکان‌پذیر باشد و باید ائتلاف از بالا آغاز شود. ائتلاف از پایین معمولاً با موانع امنیتی روبه‌رو می‌شود و دولت از ترس سوءاستفاده از تجمعات گروهی آن را محدود می‌سازد. تجربه‌هایی مانند دستگیری طرفداران محیط زیست که در اطراف دریاچه ارومیه حلقه زدند، روحیه انفعال و بی‌تفاوتی را تقویت کرده است.

ائتلاف در عموم موارد باید از بالا آغاز شده و به تدریج نیروهای مردمی را وارد میدان سازد. حصول توافق در مورد مسئله‌ها و راهکارهای مقابله با آنها می‌تواند از نیروهای سیاسی آغاز شده و به تدریج کارشناسان دولتی، روزنامه‌نگاران و سازمان‌های مردمی و حتی دانشجویان را جذب کند. مشارکت مدیریت‌شده این گروه‌ها و سایر نیروهای مردمی به نیروهای امنیتی این اطمینان را می‌دهد که آنها می‌توانند فضای عمومی را مدیریت کنند و آنها بازنده این فضا نیستند.

۴.۲. ضرورت ائتلاف به عنوان یک جریان و موج سیاسی

ائتلاف‌های کم‌رنگ و پنهانی میان نیروهای سیاسی دیده می‌شود؛ به عنوان مثال، ائتلافی که برای عدالت آموزشی توسط دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۹۳ شکل گرفت و بسیاری از دولتمردان و نمایندگان مجلس از گرایش‌های مختلف سیاسی در آن شرکت کردند، به افزایش بودجه آموزش و پرورش منجر شد و اکنون دبیرخانه دائمی آن فعال است. هرچند این ائتلاف‌ها در جای خود ثمربخش هستند، نیاز امروز کشور حاکم شدن فضای ائتلاف به جای نزاع و درگیری سیاسی در میان جناح‌ها و احزاب مختلف است، چراکه اگر صدها ائتلاف بی‌صدا شکل گیرد، نمی‌تواند انرژی اجتماعی و حتی ماهیت بازی که نیروهای سیاسی آن را تعیین کرده‌اند تغییر دهد. فضای حاکم بر نیروهای سیاسی منازعه برای دستیابی به افزایش قدرت است. این نزاع باید به رقابت مبتنی بر همکاری بدل گشته، در میان مبارزان سیاسی قانونمند شود، مرزهای ملی سیاسی یعنی آنچه برای همه مقدس و خدشه‌ناپذیر است تعریف شده و در آن چارچوب، مسابقات سیاسی شکل گیرد. بنابراین، نمی‌توان مسائل جامعه امروز را با راهکارهای جزئی و مجزا حل کرد. مسائل اقتصادی، محیط زیستی، اجتماعی و حتی مسئله‌ای مانند قدرت ما در مواجهه با مسائل بین‌المللی ریشه در نزاع‌های داخلی دارد.

۴.۳. ظرفیت ائتلاف در نیروهای سیاسی

تحقق ائتلاف به جای نزاع سیاسی به ظرفیت‌های درونی نیروهای سیاسی کشور بستگی دارد. نباید تصور کرد که ائتلاف تنها به خواست بالاترین مقام قدرت رسمی کشور بستگی

دارد. واکنش اهل تسنن در کویت به بمب‌گذاری در مسجد شیعیان نمونه‌ای از این دست است. همدردی حکومت و مردم در کویت نشان از ظرفیت‌ها و پیوندهای قوی مذاهب در این کشور دارد. اگر این ظرفیت که محصول پیوندهای خانوادگی و سایر روابط اجتماعی در این کشور است وجود نداشت، اولاً معلوم نبود رأس حکومت کویت چه واکنشی انجام دهد و دوم اینکه تا چه اندازه می‌توانست وحدت ملی را سامان دهد و نیروهای اجتماعی را علیه ترور بسیج کند. دیدار مسئولان دولت کویت با آیت‌الله سیستانی بیانگر ظرفیت بالقوه و درونی این کشور برای حفظ وحدت ملی و ائتلاف است.

ظرفیت اندک ائتلاف و بدتر از آن وجود تخاصم میان نیروهای سیاسی کار را برای رأس قدرت نیز دشوار می‌سازد. رأس قدرت مانند پدری که فرزندانش به جنگ فزون‌خواهی درغلطیده‌اند، هرازچندگاهی جانب یکی را می‌گیرد. ساماندهی نیروهای متخاصم و جلوگیری از گسترش قدرت آنها به دغدغه‌ای نفس‌گیر تبدیل می‌شود. در این شرایط بعید نیست که رأس قدرت نیز برای حفظ کشور و هرآنچه مصلحت می‌داند به عنوان یک بازیگر و نه داور وارد میدان شود.

میزان ائتلاف بدون تردید به رأس قدرت نیز بستگی دارد؛ رأس قدرت می‌تواند به تدریج عامل ائتلاف و شکل‌دهنده آن باشد، اما نباید از ظرفیت نیروهای سیاسی غافل شد. به میزانی که نیروهای سیاسی دانش و مهارت شکل‌دهی ائتلاف را داشته باشند، امکان ائتلاف افزایش می‌یابد؛ در مقابل، به میزانی که حذف رقبا را دستور کار خود قرار داده باشند، ایجاد ائتلاف را برای رأس قدرت مشکل می‌سازند.

از سویی نیز رأس قدرت اگر مطمئن باشد که ائتلاف به تقویت و کارآمدی نظام منجر می‌شود، از ائتلاف نیروهای سیاسی حمایت می‌کند. در این حالت، رویکرد رأس قدرت از برقراری توازن و مهار قدرت هریک از بازیگران جای خود را به هم‌افزایی قدرت نیروهای سیاسی می‌دهد. نزاع نیروهای سیاسی بازی را برای جریان‌های سیاسی و حتی رأس قدرت مبهم می‌سازد. محدودسازی قدرت همه نیروهای سیاسی نیز می‌تواند یک تصمیم منطقی برای رأس قدرت در این شرایط باشد.